

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

استاد محمد نسیم «اسیر»
بن – المان، ۱۵ جنوری ۱۹۸۷م

آب تا گلو!!!

از بخش دوم «فریاداسیر»

طنز

از عجب خان چنین خبر آمد
تا که در جرمنی مقیم شده
زیر نام مهاجر افغان
چتی اش مُهر* و ساعتش تیر است
دلش از هر جهت گرفته قرار
دور از رنج و زحمت و تشویش
آن که یک توشک و لحاف نداشت
شده گردن کلفت همچون غول
همگی بی نیاز و بی پروا
نه تنی خسته از مصیبت کار
نه پی کسب نان عرق ریزان
نه به فکر و خیال چوب و ذغال
نه غم حاضری، نه کسر معاش
نه به دل فکّر آمر و مأمور
بس که آسوده حال و آرام است
هیچگه یاد از وطن نکند

که ز دل زنگ غصه بر آمد
فارغ از خوف و ترس و بیم شده
بخت او شاد و مشکش آسان
تنش آسوده، اشکمش سیر است
کور، کالی و دودی است تیار
باده نوشد بجای بنگ و حشیش
از ضعیفی گره به ناف نداشت
می کند ظرف کهنه «اشپرمول»
کله ها شخ شده است و سربالا
نه دلی رنجبه از گپ و گفتار
نه برای لباس سرگردان
که کند قرض پیشکی هر سال
نه پی خوردنی به سعی و تلاش
که دهد حاضری ضرور، ضرور
فارغ البال و شهد در کام است
لب خود تر، درین سخن نکند

که دران سرزمین چه می گذرد هر دم از جنگ و کین چه میگذرد
همه در مرگ و میر و حیرانی هـدـف راکت اند و ویرانی
سخت رفته به عیش و نوش فرو
بچـه در آب و آب تا به گلو

توضیحات:

- * - "چتی" کسی مُهر شدن" اصطلاح کابلی و کنایه از "پول مفت بدست کسی آمدن" است. "چتی" (به کسرتین) کلمه هندیست و مراد از آن همانا "قبض" و "رسید" و "کاغذ"یست که به موجب آن چیزی را دریابند.
- ** - "شپرمول" همانا کلمه Sperrmüll المانیست و مراد از اشیای ناکارآمد و اضافیست که هر خانه بیرون کشیده و در کنار پیاده رو میگذارد، تا دیگران از آن استفاده کنند و بقیه را تنظیفات شهر تصفیه نماید. و این کار در شهرهای خرد، معمولاً سال یکی دو بار صورت میگیرد.
- *** - "بچه در آب و آب تا به گلو" بر مثل معروف کابلی "آب تا گلو، بچه زیر پای" ترتب دارد.